

تتو

قبل از بررسی حکم فقهی، باید به موضوع شناسی «تتو» پردازیم:

تتو چیست؟

تتو یا تاتو (Tattoo) گویا همان خالکوبی است^۱؛ و عبارت است از قرار دادن مواد رنگی در زیر پوست که باعث تغییرات رنگی می‌شود.^۲

این کار می‌تواند به دلیل یک رفتار عقیدتی یا مذهبی یا به جهت زیبایی باشد.^۳ این کار در گذشته به سبب عدم رعایت بهداشت، به انتقال بیماری‌های خونی منجر می‌شده است، کما اینکه ممکن است به التهابات شدید پوستی بیانجامد.^۴

نکته حائز اهمیت آن است که در برخی موارد تاتو برای از بین بردن نقایص مادرزادی به کار می‌رود^۵، به عنوان مثال در درمان «لب شکری» از تاتو برای متمیم «خط لب» استفاده می‌شود.^۶

و یا در مواردی که ابروی فرد از بین رفته باشد (مثل شیمی درمانی) از تاتوی ابرو بهره برده می‌شود.^۷ هم‌چنین است تاتوی چشم که برای رفع نقص‌هایی چون افتادگی چشم، افتادگی پلک، آسیب یا جراحی به کار می‌رود.^۸

نکته مهم دیگر آن است که اگر فرد در اثر عوض شدن مد یا هر علت دیگر (اجبار محیط کار یا محیط جامعه و...) بخواهد تاتو را پاک کند، از دو روش می‌تواند این کار را انجام دهد. روش اول استفاده از لیزر است. این روش گران است و علاوه بر اینکه در برخی موارد تاتو، بی‌اثر است، در برخی موارد هم نتیجه دلخواه

۱. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد

۲. Repairs-tattoo.ir

۳. همان

۴. Tattoo-wikipedia

۵. قانون پزشکی چیست؟ www.aftabir.com

۶. تتو و روشهای پاک کردن تتو www.beytoote.com

۷. همان

۸. Minataherian.com





را ندارد. اگر چه در مواردی هیچ جای زخم و علامتی را باقی نمی‌گذارد.^۱ روش دوم تراشیدن پوست و یا لایه برداری عمیق است که علیرغم اینکه ارزان است ولی معمولاً جای زخم در آنها باقی می‌ماند.^۲ یک روش دیگر هم استفاده از تاتوهای هم رنگ پوست روی موارد قبلی است.^۳

تفاوت تاتو با میکروپیگمنتیشن^۴:

تاتو، روش سنتی و غیر ایمن انتقال رنگ به زیر پوست است که بعضاً با «غیر استاندارد بودن مواد»، «عدم کنترل عمق نفوذ رنگ» همراه است اما روش میکروپیگمنتیشن، عبارت است از انتقال رنگ به زیر پوست با دستگاه‌هایی که مشکلات روش سنتی را همراه ندارد.^۵ با توجه به آنچه خواندیم می‌توان گفت:

تاتو همان خالکوبی سنتی است که امروزه با دستگاه‌های استریل و به صورت بهداشتی و با درد کم انجام می‌شود و مهم‌ترین دلیل آن ایجاد آرایش دائمی است.

البته میزان دوام این نقش‌ها به عواملی بستگی دارد که از زمره آنها «ساختار پوست»، «نوع رنگ»، «تکنیک آرایش‌گر» و «عمق تزریق رنگ» است، تنوعاً معمولاً در صورت مطلوب بودن روش‌ها و مواد، بین یکسال تا پنج سال باقی می‌مانند و سپس به آرامی محو می‌شوند.^۶

پس می‌توان گفت تاتو همان خالکوبی و همان وشم است، که در سابق با تزریق سرمه زیر پوست انجام می‌شده و امروزه رنگ‌های دیگری همان کار را انجام می‌دهند. در این کار، هیچ جرمی روی پوست قرار نمی‌گیرد تا مانع از رسیدن آب به پوست شود و لذا ضرری به غسل و وضو نمی‌زند، توجه شود که رنگ آمیزی روی پوست بدن اصطلاحاً خالکوبی نیست و لذا حکم آن را باید تحت عنوان خود مورد بررسی قرار داد.

۱. تتو و روشهای پاک کردن تتو www.beytoote.com

۲. Repairs-tattoo.ir

۳. پاک کردن تاتوی خالکوبی www.doctormaleki.com

۴. Micropigmentation

۵. روش میکروپیگمنتیشن چیست www.Lahzehnama.ir

۶. میکروپیگمنتیشن ابرو www.abrookar.ir



حکم شرعی:

این عنوان در روزگار ائمه شایع بوده است و چنانچه خواندیم در روایت نبوی «واشمامت و مستوشمات» مورد لعن واقع شده بودند (هر چند در همه جا مرحوم شیخ فرمودند مراد، آن نوع از خالکوبی-هایی است که برای تدلیس بوده باشد).

در میان اهل سنت، برخی به استناد همین روایت و برخی به استناد اینکه خالکوبی تغییر خلق الهی است، حکم به حرمت کرده‌اند.^۱

و اما در میان شیعیان، برخی به حرمت ذاتی این عمل در روی صورت قائل شده‌اند و برخی به کراهت آن فتوی داده‌اند و برخی نیز به استحباب مطلق آن قائل شده‌اند: مرحوم مفید در احکام النساء نقاشی کردن و خضاب کردن را برای زن مکروه برمی‌شمارد ولی «خالکوبی صورت» را تحریم می‌کند.

«ویکره للمرأة الحرة المسلمة أن تنقش يديها ورجليها بالخضاب.»^۲

«و لایجوز لها وشم ووجهها و هو أن تنقب فی خدها و غيرها من وجهها بایرة و تجعل فیہ الکحل لیكون کالخال المخلوق فی وجوه الناس»^۳

ابی صلاح حلبی هم خالکوبی صورت زنان را تحریم کرده است.

«یحرم آلات الملاهی کالعود و الطنبور و الطبل و المزمار و أمثال ذلك، و أعمالها للإطراب بها، و الغناء کله، و النوح بالباطل، و مدح من يستحق الذم و ذم من يستحق المدح بمنظوم أو منثور من الکلام، و عمل النرد و الشطرنج و سائر آلات التمار، و اللعب بها، و التمار، و عمل الصلبان و الأصنام و التماثيل و عمل آلات الأشربة المحرمة، و صناعتها، و غرس المعتصرة منه لذلك، و عمارته و سقيه و قطافه و صرامه و حمله و عصارة و ابعائه، و ترکیب الأدوية المحرمة و السموم القاتلة، و افتتاح المؤذیات کالسباع و الهوام و الکلب العقور، و خصاء شیء من الحيوان، و ذبح ما لم یرد الشرع بذبحه، و إیلام ما لم یرد بإباحة ذلك منه، و تعدی ما أبیح من الانتفاع بالحيوان، و عمل الزينة للرجال، و وشم وجوه النساء»^۴

۱. الموسوعة الفقهية، ج ۱۱، ص ۲۷۳

۲. احکام النساء (شیخ مفید)، ص ۵۷

۳. احکام النساء (شیخ مفید)، ص ۵۷

۴. الکافی فی الفقه؛ ص ۲۸۱

و همچنین یحیی بن سعید حلّی در الجامع للشرایع، أخذ اجرت بر خالکوبی صورت را جایز ندانسته است.

«و لاتحل الأجرة على وشم الخدود.»^۱

این در حالی است که علامه حلّی أخذ اجرت در فرض مذکور را مکروه بر می‌شمارد.

«الثامن: یکره أن یوجر نفسه لكل صنعة دنیة، و أخذ الأجرة علیه، و لو فعل حلت الأجرة. و یجوز أن یوجر

نفسه لكل عمل مباح منتفع به، و لا بأس بأجر القابلة و الماشطة مع عدم الغش، و لو فعلته حرم، کوصل

الشعر بالشعر، و وشم الخدود و تحمیرها، و نقش الأیدی و الأرجل. و یکره الصياغة و القصابة.»^۲

نکته مهم آن است که از عبارت شیخ مفید در مقنعه و ابن ادریس در سرایر و شیخ در نهاییه، چنین استفاده

می‌شود که این بزرگواران اگر «وشم» را تحریم کرده‌اند، از باب تدلیس بوده است. به عبارت دیگر «وشم» به

جهت آنکه از صغریات تدلیس دانسته شده است، حرام معرفی گردیده است. پس اگرچه حکم ایشان تحریم

«وشم» است ولی این حکم از باب مصداق یابی برای عنوان دیگری بوده است و لذا می‌توان یا این مصداق

یابی را مربوط به زمان ایشان دانست و یا آن را تخطئه کرد. به عبارت دیگر آنچه ایشان به عنوان حکم

شرعی مطرح کرده‌اند حرمت تدلیس است و «تحریم وشم» بیان مصداق برای آن حکم شرعی بوده است.

مرحوم شیخ انصاری عبارت این سه بزرگوار را چنین نقل می‌کند:

«قال فی المقنعة: و کسب المواشط حلال إذا لم یغشش و لم یدلّسن فی عملهن، فیصلن شعور النساء

بشعور غیرهن من الناس و یشمن الخدود و یستعملن ما لا یجوز فی شریعة الإسلام، فإن وصلن شعرهن

بشعر غیر الناس لم یکن بذلك بأس، انتهى. و نحوه بعینه عبارة النهاية.

و قال فی السرائر فی عداد المحرمات-: و عمل المواشط بالتدلیس، بأن یشمن الخدود و یحمرنهن، و

ینقشن بالأیدی و الأرجل، و یصلن شعر النساء بشعر غیرهن، و ما جرى مجرى ذلك، انتهى»^۳

۱. الجامع للشرایع، ص ۲۹۵

۲. تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)؛ ج ۲، ص ۲۶۷

۳. کتاب المكاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحديثة)، ج ۱، ص ۱۶۵

